

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: گنادی سیماکوف (GENNADY SIMAKOV)

برگردان: ا. م. شبیری

۲۷ اپریل ۲۰۲۳

ستون پنجم مفلوک



خیانت... بشر در تمام تاریخ خود هرگز نتوانسته است مسأله آن را حل کند. کشوری وجود دارد که تمام دنیا زهر آن را جرعه جرعه می‌نوشند و هنوز هم خواهد نوشید- ایالات متحده آمریکا. کشوری که در ساله خائنان رونق یافته است. این کشور توسط باندهای راهزنی ساخته شد که از سرزمین مادری خود فرار کردند تا برای دشمنی با دیگران کار کنند. در عین حال، خیانت، به طور متناقض، همیشه قابل توجیه است: هر خائن کاری انجام می‌دهد که برای خودش مفید است. مهم نیست از چه چیزی حراست می‌کند- سرمایه یا زندگی. او این کار را منحصرأً به هزینه دیگران انجام می‌دهد. عمل یک خائن به طور غیر مستقیم یا مستقیم بر رفاه بقیه تأثیر می‌گذارد. اما وقتی از او می‌پرسند که آدم عوضی چرا به خدمت نازی‌ها درآمدی، او پاسخ می‌دهد: خوب، آن‌ها می‌توانستند مرا تیرباران کنند.

نوادگان قربانیان هولوکاست کاملاً آرام به کشوری نقل مکان می‌کنند که از پوست اجدادشان آباژور درست می‌کردند؛ نان‌هایی را می‌خورند که در مزارع حاصل از خاکستر پدربزرگ‌هایشان بارور شده است و هیچ چیز آن‌ها را آزار نمی‌دهد. علاوه بر این، آن‌ها موفق می‌شوند از هر دو- اتحاد جماهیر شوروی و روسیه متنفر باشند. آیا آن‌ها خائن هستند؟ آن‌ها در پاسخ بر سر من فریاد می‌زنند و ۹ مه را با محافظه‌کاران جشن می‌گیرند (چنین افرادی هم هستند).

براستی، در عین حال آن‌ها بی سر و صدا برای سعادت دشمن ژئوپلیتیکی خدمت می‌کنند. یعنی برای وطنشان میهن پرستی ریاکارانه کافی است و به کشور بیگانه علم، کار و نیرو اهداء می‌کنند.

و اما شگفت‌آورتر از همه: بسیاری از عقب‌مانده‌ها، آلودگان به ویروس لیبرالیسم، آن‌ها را کاملاً درک می‌کنند. ماهی همیشه دنبال جای عمیق‌تر است، می‌گویند قضاوت نکن تا مورد قضاوت قرار نگیری، شرایط همه متفاوت است. همه خواهان زندگی هستند.

البته، که همه می‌خواهند. کسانی که المانی‌ها درباره آن‌ها نوشتند که ما نمی‌دانستیم با چه چیزی مواجه خواهیم شد، نیز می‌خواستند زندگی کنند. بله، همه خواهان زندگی بودند. اما بیشتر از آن می‌خواستند که آرامگاه اجدادشان هتک حرمت نشود، که هیاهوی مهاجمان در شهرهای زادگاهان شنیده نشود، که بچه‌ها در کشور خودشان، در سرزمین مادری‌شان، در خانه خودشان بزرگ شوند.

روسیه پنجمین موج مهاجرت را تجربه می‌کند (و البته زنده خواهد ماند!). از این میان تنها مورد اول و تا حدی سوم قابل توجیه است. کسانی که در معرض تهدید نابودی فزاینده‌ای مجبور به ترک کشور شدند، اما در عین حال همیشه از نظر روحی روسی باقی ماندند و هرگز کلمه بدی در مورد وطن متروک خود نگفتند. آن‌ها فقط به بازگشت امیدوار بودند و این امید به آن‌ها قدرت زندگی می‌داد.

موج فراریان از عملیات ویژه نظامی، شرم‌آورتر از موج چهارم مهاجرت ناشی از شرایط سخت اقتصادی در موطن خود است که به زیر چتر دشمن، دشمنی که عامدانه یک کشور بزرگ را به ویرانه تبدیل کرد، سرازیر شدند. موج چهارم، علاوه بر رؤیای سوسیس‌های باواریا و سبزیجات پلاستیکی زیبا، در باره میوه‌های ممنوعه توهمات داشت، که شیرین به نظر می‌رسید.

اما موج پنجم، این گاوهای پیشانی سفید که برای جان خود می‌لرزند، از چیزی جز اندیشه زیان‌بار گریز از مبارزه و از خودگذشتگی در راه مردم بیم ندارند.

روانشناسی مهاجران سه موج را می‌توان برای مدتی طولانی و بدون ذکر مثال، بدون پرداختن به اشخاص تحلیل کرد. زیرا، این اشخاص شایسته آن نیستند. اما مهاجرت جنبه دیگری نیز دارد. کسانی که در شرایط سخت، با انگیزه‌های ذهنی نه واقعی و عینی، کشور را ترک کردند، مطمئناً خائن هستند. و از آنجائی که امروز روسیه سنگر جهانی شیوه زندگی مرسوم و سلامت عقل است، روند مخالف آغاز می‌شود. روز به روز افراد بیشتری از به اصطلاح «دنیای متمدن» که به سردمداری امریکا امروز در چاه شیطان‌پرستی می‌افتند، برای مهاجرت به سمت ما روی می‌آورند. حرکت آغاز شده است و حتی با وجود مشکلات روسیه، خوشحال هستند. و اما در اینجا فقط یک کلام می‌توان به آن‌ها گفت: خوش آمدید!

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۵ اردیبهشت-ثور ۱۴۰۲